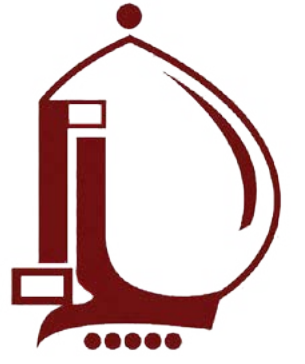




خبرنامه اطلاع رسانی داخلی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
ویژه نامه ولادت امام حسن مجتبی (ع)





ماه رمضان در سخن کریم اهل بیت (ع)

امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِصْمَارًا لَخَلْقِهِ فَيَسْتَيْقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرَضَاتِهِ فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفَارَوْا وَ قَصَرَ آخَرُونَ فَفَجَّأُوا فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ مِنْ ضَاحِكٍ لِأَعْيَبِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُثَابُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ وَ يَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ وَ أَيْمُ اللَّهُ لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ لَعَلِمُوا أَنَّ الْمُحْسِنَ مَشْغُولٌ بِإِحْسَانِهِ وَ الْمُسِيءُ مَشْغُولٌ بِإِسَاءَتِهِ ثُمَّ مَضَى». (تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۲۳۶)

«خداوند ماه رمضان را میدان مسابقه و بهره برداری برای مخلوق خویش قرار داده که با اطاعت و بندگی بر یکدیگر پیشی و سبقت گیرند و خشنودی خدای را بدست آورند. گروهی سبقت جستند و مسابقه را بردند و گروهی دیگر عقب ماندند و متضرر شدند. شگفت و تعجب از آنانی که در روز پاداش گرفتن نیکوکاران و زیان دیدن بی هدفان به خنده و لهو و لعب پرداختند. به خدا قسم اگر حجابها بر کنار شود، خواهید دید نیک رفتار به نیک خویش مشغول است و بد کردار به رفتار بدش گرفتار است. پس آن ها را به حال خویش گذاشت و رفت.»

شمه ای از ولادت کریم اهل بیت (ع)

اکنون در آستانه ورود به نیمه ماه رمضان هستیم که مصادف با تولد کریم اهل بیت، امام حسن مجتبی (ع) می باشد. به مقتضای ورود به ایام پر برکت تولد امام مجتبی (ع) در این ویژه نامه به ماجرای تولد، نامگذاری، کنیه و القاب، سبک زندگی امام و به بیان دیگر به تعداد محدودی از فضایل این امام معصوم اشاره می شود تا نمای کلی از زندگی ایشان را به خواننده ارائه دهد.

امام حسن (ع) در نیمه ماه رمضان سال سوم هجرت در شهر مدینه متولد شد. پدر گرامی ایشان امام علی (ع) و مادر مکرمش، حضرت فاطمه زهرا (س) می باشد. (مناقب آل ابی طالب (ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۲۸)

در منابع روایی و تاریخی به داستان نامگذاری امام حسن و امام حسین (ع) به صورت مفصل اشاره شده است. به عنوان نمونه در کتاب حیاة الامام الحسن بن علی نیز این مقوله آمده است که: «جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت: خدایت درود می فرستد و می فرماید: علی نزد تو به منزله هارون نزد موسی است. پس این فرزندت را با فرزند هارون همنام کن. رسول خدا (ص) پرسید: نام او چیست؟ گفت: «شیر»، فرمود: زبان من عربی است. جبرئیل گفت: نام او را «حسن» گذارید و رسول خدا (ص) او را حسن نامید». (رک: حیاة الامام الحسن بن علی، شریف القرشی، ج ۱، ص ۶۳؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۵۱ - ۲۵۵)

در این زمینه روایات دیگری نیز در منابع شیعه و اهل سنت موجود می باشد که نام ایشان ابتدا «حرب» بوده و سپس به «حسن» تغییر یافته است و ... که طبق نظر مولف کتاب حیاة الامام الحسن بن علی، این احادیث ضعیف می باشد. (رک: حیاة الامام الحسن بن علی، شریف القرشی، ج ۱، ص ۶۳)

روایات فراوانی از اهل سنت نیز به این موضوع اشاره داشتند که دو نام شریف «حسن» و «حسین» در جاهلیت سابقه نداشته و از نام های بهشتی است. (رک: زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، رسولی محلاتی، ص ۵)

بنابراین نامگذاری امام بزرگوار توسط پیامبر (ص) انجام شده که تا آن زمان در میان اعراب نامگذاری به این نام ها سابقه ای نداشته است.

کنیه و القاب امام حسن (ع) نیز مانند سایر ائمه (ع) به این صورت است که طبق روایات فراوان کنیه ایشان «ابو محمد» است و با القاب سبط، زکی، مجتبی، سید، تقی، طیب، ولی و ... می باشد که مشهورترین این القاب «تقی» و بهترین و شایسته ترین آنها «سید» می باشد که رسول خدا (ص) ایشان را به آن ملقب فرمود. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۵۵)

تعداد فرزندان امام مجتبی (ع) نیز مورد اختلاف است به گونه ای که ارقام سیزده (مناقب آل ابی طالب (ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۲۹)، یازده (الحسن و الحسين (ع)، محمد رضا، ص ۲۲) و ... در این زمینه موجود است.

امام حسن (ع) در کلام رهبری

«اگر امام حسن علیه السلام صلح نمی کرد، تمام ارکان خاندان پیامبر (ص) را از بین می بردند و کسی را باقی نمی گذاشتند که حافظ نظام ارزشی اصیل اسلام باشد. همه چیز به کلی از بین می رفت و ذکر اسلام برمی افتاد و نوبت به جریان عاشورا هم نمی رسید... امیدواریم خداوند به همه ما بصیرتی عنایت کند، تا بتوانیم این بزرگوار را بشناسیم و نگذاریم پرده جهالت و غبار بدشناختی که تا مدت ها بر چهره آن بزرگوار بوده، باقی بماند؛ یعنی حقیقت را همه باید بفهمند و بدانند که صلح امام مجتبی (ع) همان

قدر ارزش داشت که شهادت برادر بزرگوارش، امام حسین (ع) ارزش داشت و همان قدر که آن شهادت به اسلام خدمت کرد، آن صلح هم همان قدر یا بیشتر به اسلام خدمت کرد». (حوزه نت)

سبک زندگی فردی امام مجتبی (ع)

۱. انس و عشق به قرآن

در حدیث ثقلین آمده است که قرآن و عترت از یکدیگر جدایی ناپذیر هستند. نمونه عینی و عملی سخن پیامبر (ص) در زندگی امامان قابل مشاهده است. به گونه ای که قرآن در تمام شئون زندگی امام جاری بوده است. از ام موسی روایت شده که «چون ایشان به بستر خواب می رفت سوره کهف را می خواند و می خوابید». (زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، رسولی محلاتی، ص ۳۳۰)

۲. سبط اکبر و مکارم اخلاق

پیامبر (ص) به عنوان پیش گام در مکارم و فضایل اخلاقی معرفی شده است. بعد از وجود گرامی پیامبر اسلام (ص) این ویژگی ممتاز و شایسته به نسل نورانی ایشان منتقل شد. مطالعه اجمالی در زندگی این بزرگواران نشان می دهد که مکارم اخلاقی را در حد اعلی داشتند و آن را در زندگی فردی و اجتماعی پیاده می کردند.

از ویژگی های مشهور و اصلی امامان (ع) می توان به خدایرستی، زهد، تقوا، ایثار، فروتنی، گذشت، شیوه عبادت، انس به قرآن، صبر و بردباری، بخشش و صلح، کار و تلاش، توجه فقرا و خدمتگزاران و ... اشاره کرد.

ائمه علاوه بر این که متخلق به مکارم اخلاقی بودند. نسبت به این امر تاکید فراوان داشتند که جابرین عبدالله از امام حسن مجتبی (ع) نقل کرده که: «مَکَارِمُ الْأَخْلَاقِ عَشْرَةٌ: صِدْقُ اللِّسَانِ وَ صِدْقُ النَّاسِ وَ إِعْطَاءُ السَّائِلِ وَ حَسَنُ الْخُلُقِ وَ الْمُكَافَأَةُ بِالصَّنَائِعِ وَ صَلََةُ الرَّجِيمِ وَ التَّذَمُّعُ عَلَى الْجَارِ، وَ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ لِلصَّاحِبِ وَ قِرَى الضَّيْفِ وَ رَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ»، «مکارم اخلاق ده چیز است: راستگویی، صداقت در خضوع، بخشش به سائل، خوش خلقی، پاداش به کارها، پیوند با خویشان، حمایت از همسایه، حق شناسی برای صاحب آن، میهمان نوازی و در رأس همه این ها شرم و حیا است.» (تاریخ یعقوبی، ابی یعقوب، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، ص ۱۵۶ - ۱۵۷)

توصیه به فضائل و دوری از ردائیل از اموری بوده که در برنامه تربیتی و انسان سازی امامان بوده است. به گونه ای که عدم التزام به این توصیه ها سبب نابودی و شقاوت انسان می شود. از این رو امام حسن مجتبی (ع) نابودی مردم را این گونه بیان کرد که: «هَلَاكُ النَّاسِ فِي ثَلَاثِ الْكِبْرِ وَ الْحِرْصِ وَ الْحَسِيدِ فَالْكِبْرُ هَلَاكُ الدِّينِ وَ بِهِ لَعْنُ إِبْلِيسَ وَ الْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ وَ بِهِ أُخْرِجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ الْحَسَدُ رَأْسُ السُّوءِ وَ مِنْهُ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ»، «نابودی مردم در سه چیز است: تکبر، حرص، حسد. تکبر که نابودی دین در آن است و به علت تکبر بود که ابلیس ملعون و دور از رحمت حق گردید. حرص که دشمن جانی انسان ها است و به همان خاطر آدم از بهشت اخراج گردید. حسد که جلودار و راه ب، بدی است و به خاطر حسد بود که قایل، هابیل را کشت». (کشف الغمّة فی معرفه الأئمة، اربلی، ج ۱، ص ۵۷۱)





۳. مرتبه علمی

علم ائمه از علم الهی سرچشمه گرفته است از این رو متصل به معدن نور و حکمت می باشد که هیچ گاه پایان نمی پذیرد و از جهتی هر چه علم و فنون پیشرفت کند نمی تواند به حد اعلای آن که در ائمه موجود است، برسد. امامان در زمان حیاتشان به جهت علمی سرآمد مردم عصر بودند. به گونه ای که مرجع پاسخگویی به سوالات آن ها و ... بوده اند. امام حسن (ع) نیز از این ویژگی برخوردار بود و چهره ممتازی داشت که مسائل پیچیده علمی و قضائی را حل می نمود. (رک: زندگی امام حسن (ع)، پیشوائی، ص ۱۶)

در باب علم فراوان امام می توان به روایتی اشاره کرد که از امام حسن مجتبی (ع) در حین طواف در مورد معنای «جواد» سوال شد، حضرت فرمود: «إِنَّ لِكَلَامِكَ وَجْهَيْنِ فَإِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْمَخْلُوقِ فَإِنَّ الْجَوَادَ الَّذِي يُؤَدِّي مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنْ كُنْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْخَالِقِ فَهُوَ الْجَوَادُ إِنْ أُعْطِيَ وَهُوَ الْجَوَادُ إِنْ مَنَعَ لِأَنَّهُ إِنْ أُعْطِيَ لَكَ مَا لَيْسَ لَكَ وَإِنْ مَنَعَ مَنَعَكَ مَا لَيْسَ لَكَ». «سخن تو دو وجه دارد، اگر درباره مخلوق می پرسی، بدان «جواد» کسی است که آن چه را خدا بر او واجب شمرده، بپردازد و اگر درباره خالق می پرسی بدان که او چه ببخشد و نبخشد، جواد است. زیرا اگر به بنده چیزی را ببخشد که از آن وی نبوده، بخشنده است و اگر نبخشد چیزی را که از آن وی نبوده است، بخشنده است.» (الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۸)

۴. ذکاوت

حضرت مجتبی (ع) در سن هفت سالگی در مجلس حضرت رسول خدا (ص) حاضر می شد، آیات وحی را که تازه نازل شده بود یاد می گرفت و خانه برای مادرش فاطمه (س) می خواند، هر وقت امیرالمؤمنین (ع) داخل خانه می شد می دید که فاطمه زهرا (س) آیات را می خواند. می فرمود: چه کسی اینها را به تو یاد داد حال آنکه امروز نازل شده است؟ حضرت فاطمه زهرا (س) جواب می داد: فرزندت حسن، روزی امیرالمؤمنین (ع) در خانه مخفی شد که بیند حضرت مجتبی چطور آیات وحی را می خواند، امام حسن (ع) داخل شد، آیات وحی را یاد گرفته بود، ولی تا خواست بخواند مضطرب شد و نتوانست، مادرش از اضطراب وی تعجب کرد، حضرت مجتبی جواب داد: ای مادر بیانم کوتاه آمد، زبانم بند شد، ظاهراً یک مرد بزرگوار مرا زیر نظر دارد و به من گوش می دهد. در این هنگام امیرالمؤمنین (ع) از پس پرده خارج شد و فرزند عزیزش را بوسید و مورد تفقد قرار داد. (بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۳، ص ۳۳۸)

سبک زندگی کریم اهل بیت (ع) در بعد اجتماعی

۱. توجه به ابعاد وجودی انسان

سخنان ائمه (ع) شامل عرصه های مختلف زندگی انسان می شود. به عنوان مثال از امام حسن مجتبی (ع) این گونه نقل شده: «عَجِبُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَقُولِهِ فَيَجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَيُؤَدِّعُ صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ»، «در شگفتم از کسی که به غذای جسم خود می اندیشد، چگونه به غذای روح خود نمی اندیشد؟ شکم خود را از غذاهای زیانبار دور نگه می دارد و دل خود را به افکار هلاکت بار می سپارد.» (بحار الانوار، مجلسی، ج ۱، ص ۲۱۸)

در این سخن گهربار امام مجتبی به بعد روحی و معنوی وجود انسان نیز توجه شده است. زیرا روح انسان زمانی به سعادت و علو می رسد که در سلامت باشد و از جانب صاحبش مورد توجه باشد.

۲. حلم

حلم و بردباری نیز از دیگر ویژگی های برجسته اخلاقی، امام مجتبی (ع) بود که در طول زندگی ایشان مشهور بوده است. حتی دشمنان خاندان اهل بیت (ع) به این موضوع اعتراف کردند. به عنوان مثال در روایتی آمده است: «زمانی که امام حسن (ع) شهید شد. مروان با دشمنی و کینه ای که نسبت به این خاندان داشت به تنهایی جنازه امام را به دوش گرفت. امام حسین (ع) به او فرمود: تو با آن سوابق جنازه امام را حمل می کنی؟ مروان گفت: من این ستم ها را به کسی کردم که در حلم و بردباری و شکیبایی او با کوه ها برابر بود. (سفینه البحار، قمی، ج ۲، ص ۳۲۵)

حلم و شکیبایی امام ریشه در شرح صدر و وسعت قلب ایشان داشت که در وصف ایشان آمده است که: «إِنَّ الْخَسَنَ (ع) كَانَ مِنْ أَوْسَعِ النَّاسِ صَدْرًا وَ أَسْجَحِهِمْ خُلُقًا». «امام مجتبی (ع) سعه صدرش از همه بیشتر و از نظر اخلاق معتدل ترین مردم بود.» (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱)

۳. همنوا با مستمندان

با مردم بودن و خود را با مردم دانستن از خصلت های تمام ائمه می باشد. آن ها آمده بودند تا برای مردم باشند و مردم از وجود الهی آن ها بهره ببرند. نگاهی به زندگی این بزرگواران این نکته را روشن می نماید که با مردم زیستن و برای آن ها بودن جزء جدایی ناپذیر

وجودشان بوده است و این امر محقق نمی شود مگر با ساده زیستی، قناعت، درد فقر را کشیدن، رعایت حق الناس و ...

حضرت وجودش آرام بخش دل های دردمند، پناهگاه مستمندان و تهیدستان و نقطه امید درماندگان بود. هیچ فقیری از در خانه آن حضرت دست خالی بر نمی گشت. (زندگی امام حسن (ع)، پیشوائی، ص ۲۱) در سیره عملی زندگی امام حسن (ع) بذل و بخشش مولفه شاخصی بوده است. به گونه ای که نمونه های فراوانی از آن در زندگی ایشان گزارش شده است.

امام صادق (ع) در این رابطه فرمود: «الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) قَاسَمَ رَبَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى نَعْلًا وَ نَعْلًا وَ ثُوبًا وَ ثُوبًا وَ دِينَارًا وَ دِينَارًا». «حسن بن علی (ع) سه بار هر آن چه از کفش و جامه و دینار داشت، با خدا تقسیم کرد.» (تهذیب الأحكام، طوسی، ج ۵، ص ۱۱)

بنابراین بخشندگی و توجه به برآوردن نیازهای دیگران توسط امام جهت دفع فرهنگ تکدی گری در جامعه بوده است. در مناقب نیز آمده است که «روزی حضرت مشغول عبادت بود. دید فردی در کنار او نشسته است و به درگاه خدا می گوید: «خدا یا! ده هزار درهم به من ارزانی دار.» حضرت به خانه آمد و برای او ده هزار درهم فرستاد.» (مناقب آل ابی طالب (ع)، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۱۷)

با توجه به آن چه ذکر شد، می توان این گونه بیان کرد که به خاطر بذل و بخشش ها، ایشار و از خودگذشتگی هایی که امام در طول حیات پربرکتشان نسبت به مردم انجام دادند، به کریم اهل بیت (ع) ملقب شدند.

۴. بزرگ منشی

بزرگوار و بزرگ منشی نیز از ابعاد غیر قابل انکار وجود ائمه (ع) می باشد. که نمونه های عینی آن در زندگی و سیره این بزرگواران ثبت شده است.

درباره امام حسن (ع) نقل شده است که: «مردی نامه ای به دست امام داد که در آن حاجت خود را نوشته بود. امام بدون آن که نامه را بخواند به او فرمود: حاجت رواست. شخصی عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، خوب بود نامه اش را می خواندی و می دیدی حاجتش چیست و آن گاه بر طبق حاجتش پاسخ می دادی؟ امام پاسخ عجیبی داد: بیم آن دارم که خدای تعالی تا بدین مقدار که نامه اش را می خوانم از خواری مقامش مرا مورد ماخذ قرار دهد.» (زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، رسولی محلاتی، ص ۳۳۹ - ۳۴۰)

۵. کرامتی از کریم اهل بیت (ع)

امامان در طول زندگی پر برکتشان کراماتی داشتند. امام حسن نیز دارای کراماتی بوده است که در این مجال به ذکر مورد «خرما دادن نخل خشک» اشاره می شود.

حسین بن عبد الوهاب با سلسله سند خویش از امام صادق (ع) نقل می کند که: «امام حسن مجتبی (ع) در یکی از سفرها با مردی از فرزندان زبیر همسفر شد. آنان نیز شتری را کرایه کرده بودند. در میان راه به آبگاهی رسیدند و جهت استراحت، توقف نمودند و فرشی را برای نشستن امام مجتبی (ع) در زیر نخل خرما خشک گسترده و آن مرد زبیری در زیر نخل دیگر پارچه ای را انداخت و

نشست. وقتی چشمش به درخت خرما خشک افتاد، گفت: اگر خرمایی داشت از آن می خوردیم. امام خطاب به او فرمود: خرما می خواهی؟ جواب داد: آری. حضرت دست به سوی آسمان بلند کرد و دعایی کرد. این جا بود که درخت خرما سبز شد و برگ در آورد و خرما بسیار مطبوعی داد. شتریان چون این صحنه را دید، گفت: این کار چیزی جز سحر نیست. امام فرمود: این کار سحر نیست بلکه دعای فرزندان پیامبران مستجاب است.» (عیون المعجزات، ابن عبد الوهاب، ص ۶۲ - ۶۳)

نمایی از زندگی سیاسی امام

مروری به زندگی امام و حضور ایشان در زمان پدر بزرگوارشان امیرالمؤمنین (ع) نشان دهنده این امر است که ایشان در امور سیاسی حضور داشتند به گونه ای که در جنگ های جمل و صفین حضور داشتند و حتی مناظره هایی که داشتند.

بنابراین ایشان دارای روح جنگی و احقاق حق بود که در دیگران کمتر نظیر داشت و این که مردم با صلح امام گمان کرده اند که حضرت مردی گوشه گیر و بیمناک از جنگ بود، شهرت غلطی است. (زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، حسین اصفهانی، ص ۲۰۵) قابل ذکر است که اکثر مردم زمان حضرت، پلیدی معاویه را باور نداشتند و شخصیت هایی بودند که در زمان شدت سختی فرار را بر ماندن ترجیح می دادند. عده ای هم در کوفه بودند، می خواستند در طرف برنده باشند. (رک: بر امام حسن و امام حسین چه گذشت، موسوی کاشانی، ص ۳۴ - ۳۵)

اما مهمترین و حساس ترین بخش زندگانی ایشان، ماجرای صلح با معاویه و کناره گیری اجباری از صحنه حکومت اسلامی است. زیرا امام ماهیت حکومت معاویه و اهداف شوم آن ها را می دانست و از طرفی سستی و عدم همکاری یاران خود بشدت ناراحت و متاثر بود. هدفهای امام از صلح با معاویه صیانت و نگهداری قوانین اسلام در اجتماع و رهبری جامعه بر اساس این قوانین بود. تا این که همین صلح زمینه ساز عاشورا شد. از جهت دیگر بنی امیه می دانست که امام در پی انقلاب است و این ترس باعث شد که به شهادت ایشان منجر شود.

امام در زندگی ده ساله آخر عمر خود، بین سلطنت و امامت یعنی خلافت ظاهری و ولایت مطلقه الهی جمع کرد و بر قلوب مردم سلطنت و حکومت فرمود. سلطنت دینی و امامت و پیشوائی مذهبی او با قدرت و نفوذ حکومت دنیوی و سیاسی جمع کرده و همه طبقات را علی قدر مراتبهم راضی و خشنود می داشت. (زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، حسین اصفهانی، ص ۳۰۳)

دورنمایی از این ده سال زندگی امام حسن (ع) در مدینه نشان می دهد که محور اصلی توجه امام چه بوده است. که به اختصار به آن ها اشاره می شود: تربیت و آموزش نیروهای کارآمد، نشر فرهنگ اصیل اسلام، رسیدگی به نیازمندان، حمایت های سیاسی و اقتصادی از موالیان، اظهار انزجار و افساگری بر ضد معاویه و ممانعت از پیوند ازدواج با بنی امیه. (حقایق پنهان، زمانی، احمد، ص ۲۵۰ - ۲۸۰)